

موزیم‌ها و عناصر مرکبه آنها

- ۲ -

ترجمه آقای م. قدیر خان ترکی
از مجله Ulku ترکی

لك نیست که وظیفه موزیم‌ها تحفیظ آثار و بقایای قدیمه است ولی موزیم‌ها وظیفه را که به عهده دارند غیر از حفظ آثار تربیه ذکا و ذوق ملی نیز میباشد پس لازم است دروازه‌های موزیم‌ها بر روی هر کس باز باشد تا بتوانند فائده بردارند و همین است که درین مورد وظائفی برای موزیم‌ها تعیین کرده اند که حسب ذیل است:

۱- باید موزیم‌ها سعی کنند تا آثار طوری مرتب شود که طلاب و علمای تاریخ و آرخیولوژی بتوانند بیک نگاه حوایج خود را ازان رفع کنند.

۲- باید آثار آرخیولوژی و صنعت فولکوری (ضررب امثال و اشعار و ابیات وطنی که خاص بقریحه ملی مرتب شده عروض را دران دخلی نباشد) مثل ترتیب صحف تاریخ تنظیم یا بد تا مطالعین را در بی شناخت هر بار چه دل سردنگرداند. برنسیبی که باید هر دو ماده از وظیفه مذکور با آن انجام داده شود حسب ذیل است:

اشخاصیکه به موزیم می‌آیند یا عبارت از علمائی میباشدند که هم با اهمیت نفاست صوری آثار مذکوره می‌برده و هم برای تاریخ هر کدام آن را وثیقه تتبع خود قرار داده در اطراف مطالعات میکنند و با عبارت از اشخاصی اند که محض جهت تربیه ذوق و ذهن و وسعت معلومات خویش از موزیم دیدن میکنند پس باید موزیم‌ها نیکه درین

عصر ترتیب می شود تمام همین حوائج را جواب بگوید؛ و نباید آناریکه در موزیم وجود دارد طوری چیده شده باشد که از جنبه تراکم و پراکنده گی شخص نووارد را اجازه مطالعه ندهد؛ شاید هیچ کس اعتراضی نداشته باشد که امروز مفهوم وقت و ضیاع آن در نزد بشریت یکی از اهمیت دارترین مسائل حیاتی بشمار میرود ازین باعث اگر آنارعتیقه موزیمی غیر مرتب بود و شخص نووارد و صاحب ذوق را محکوم به تضيع وقت صرف زحمت گردالبته فرق بین موزیم و يك نحويل خانه غیر منظمی که اموال آن رو بهم پراکنده و پریشان افتاده باشد نیست .

موزیم های امروزه تنها ازین جنبه که بدرد علمای آرخیولوژی میخورد دارای اهمیت نیست بلکه فائده بزرگ دیگری که در موزیم ها وجود دارد ازدحامات اهالی است که برای تماشا در موزیم ها آمده باهم رابطه پیدا میکند و این رابطه اکثراً باعث ائتلافات و هم دردی و هم کاری های علمی ، ادنی و ... می شود؛ اشخاصیکه در موزیم ها برای معاینه آثار میروند از همه اولتر يك عامل نفسی که آن را حس نجسس و کنجکاوی نام میدهند در ایشان بیدار شده آنها را وادار میکنند تا معاملات روزمره خود ها را هم در خارج از موزیم یعنی در منازل خود به نظر انتقاد دیده اصلاحاتی در آن بنماید .

میگویند : تکون و تنمیة کولتور (این يك کلمه ولودی است که من درین باره بابسی از فضلا بحث کرده ام متاسفانه کدام جواب مسکتی بمن داده نشده و قراریکه درین موضوع بعضی از مقالات را مطالعه کرده ام باین نتیجه رسیدم که اگر کولتور به عوض مدنیت و تربیه ملی یا ذهنی به مجموع تجار بیکه يك فرد یا يك ملت در ادوار حیات کسب میکند و وجدان فردی یا ملی بر روی آن قائم میگردد ترجمه شود به عقیده اغلی از فلاسفه قریب به حقیقت خواهد بود . « مترجم »

برای افراد يك ملت یگانه شرطی است جهت موفقیت آن‌ها در میدان تنازع للبقا بلی اگر چنین است تنمیه کولتور جز در سایه تعمق به آثار عتیقه که نماینده مجموع مدارك و عقول افراد و طبقات بشریت است امکان ندارد و این وظیفه را تنها میتوان از موزیم‌ها طلب کرد چه موزیم‌ها در اول امر بناظرین عزت نفس، اعتماد بخود، حرمت به نیاکان تولید کرده ایشان را ازین راه بسوی وطن دوستی و محبت ملی سوق میدهد و در عین حال بآنها درس عبرتی میاموزد تا در آتیه حیات را تنها عبارت از خور و خواب و خشم و شهوت ندانند!

این رولی را که موزیم‌ها به عهده دارد وقتی میتواند بخوبی انجام بدهد که که آثار قدیمه بیک صورت متودیکه خاصه تشهر آنهاست چیده شده باشد و این اصولیکه ما آن را متودیک گفتیم نخت همان دو ماده که در فوق نوشته شده خلاصه گردیده است.

اصول تشهر برای موزیم‌ها یگانه اصولی است که آنها را رونق داده تمام معانی و محتویات موزیم را در محضر رجال منسوب به مدارس علمی و اشخاص صاحب صلیقه و ذوق تقدیم می‌کند مثلاً وقتیکه اشیا با اصول صحیح چیده شده و در چیدن آن تا حدیکه آرخیولوژی اجازه میدهد رعایت تقدیم و تاخیر به عمل آمده و آثار منسوب بهر منطقه جدا باشد بسیار شبیه به کتب تاریخی است که خواننده را بجز نظارت به صحف خود دیگر تکلیف نمی‌دهد.

اگر برای تشهر آثار چنین ترتیبانی گرفته نشود در تخیلات، محاکمات، معلومات ناظرین تأثیری تولید نکرده این گونه موزیم‌ها که راجع به ذوق، ذکا، فنون قدما که منسوب بکدام دوره است؟ معلوماتی ندهد بلائی است سرزیاده‌گی که غیر از مصارف و اخذ يك آپارتمان معنی ندارد.

رمزی افندی